

ارزیابی میزان آسیب‌های اجتماعی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد بر اساس ابعاد کالبدی (نمونه موردی: شهر جدید صدرا)^۱

نیلوفر لک

دانشجوی دکتری معماری، گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

باقر کریمی^۲

استادیار گروه معماری، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران

خسر و موحد

دانشیار گروه معماری، واحد شیراز، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۲۳

چکیده

تامین مسکن برای اقشار کم‌درآمد یکی از چالش‌های مهم به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌باشد و عدم تامین مسکن مناسب منجر به افزایش آسیب‌های اجتماعی از جمله بزهکاری، طلاق و پیدایش پدیده‌های ناهنجار اجتماعی مانند زاغه نشینی، خیابان خوابی و تکدی‌گری می‌شود. لذا، پژوهش حاضر ارزیابی میزان آسیب‌های اجتماعی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد بر اساس ابعاد کالبدی را مدنظر قرار داده است. در تحقیق حاضر با توجه به ماهیت و نوع پژوهش که به صورت توسعه‌ای-کاربردی می‌باشد و روش انجام آن که توصیفی-تحلیلی است. قابل ذکر است که برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه و مصاحبه به عنوان ابزارهای اصلی بهره‌برده شده است. در این پژوهش، پرسشنامه‌ها توسط افراد جامعه آماری و به صورت نمونه‌گیری تصادفی توزیع و تکمیل شدند. جامعه آماری ساکنین مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد در شهر جدید صدرا می‌باشد که معادل ۳۵۳۱۸ نفر است. برای محاسبه حجم نمونه تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده است که معادل ۳۸۰ نفر محاسبه گردیده است. هم‌چنین، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار تحلیل آماری آموس به کمک مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد مولفه‌های کالبدی هم‌چون حس تعلق، مبلمان و زیر ساخت‌ها، نظام عملکردی، دسترسی، نور و روشنایی، نظام فعالیتی-کاربری، کالبدی-فضایی، و منظر و فضای سبز می‌توانند اثرگذار واقع شوند. بر اساس مولفه‌های ذکر شده نیز راهکارهایی هم‌چون بستر سازی فعالیت‌های مشارکتی جهت شناخت همسایگان از یکدیگر و گسترش روابط اجتماعی آن‌ها، توجه به وجود فضاهای باز و نیمه باز در راستای بهره‌وری مناسب و کنترل دسترسی به آن‌ها و تنوع فضایی و فعالیتی در فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی افزایش یابد و ارائه شده است.

کلیدواژه‌گان: آسیب‌های اجتماعی، مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد، ابعاد کالبدی، شهر جدید صدرا.

^۱ این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول تحت عنوان "تبیین الگوی بهینه جهت طراحی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی (نمونه مورد پژوهش: شهر جدید صدرا)" به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر است.

^۲ نویسنده مسئول: bkarimi@iaubushehr.ac.ir

مقدمه

سکونتگاه‌های شهری به عنوان مراکز اصلی شکل‌گیری رشد اقتصادی و اجتماعی در تمدن‌های بشری، آینده و سرنوشت تمدن‌های انسانی را رقم می‌زنند. به دنبال رشد شهرنشینی، تولید انبوه مسکن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفته است و مجتمع‌های مسکونی را می‌توان تجلی ایده انبوه‌سازی قلمداد کرد. مسایل مربوط به مسکن در کشورهای در حال توسعه عمدتاً از نوع کمی که ناشی از کمبود مسکن نسبت به تقاضا است و در کشورهای توسعه یافته غالباً از نوع کیفی که ناشی از تغییر ساختارهای جمعیتی و اجتماعی می‌باشد. تامین مسکن برای اقشار کم‌درآمد یکی از چالش‌های مهم به ویژه در کشورهای در حال توسعه می‌باشد و عدم تامین مسکن مناسب منجر به افزایش آسیب‌های اجتماعی از جمله بزهکاری، طلاق و پیدایش پدیده‌های ناهنجار اجتماعی مانند زاغه‌نشینی، خیابان‌خوابی و تکدی‌گری می‌شود. لذا، پژوهش حاضر به دنبال بررسی نگرش‌ها و تبیین الگویی بهینه به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی در مسکن اقشار کم‌درآمد بر اساس ابعاد کالبدی آن‌ها است. اگرچه تامین مسکن همواره در طول تاریخ دغدغه افراد بوده و دولت‌ها و حکومت‌ها اهمیت آن را مد نظر داشته‌اند، اما نیاز به مسکن تنها از ابتدای قرن بیستم میلادی به یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی و بحراناترین مسائل در ارتباط با رابطه دولت و ملت‌ها بدل شد (گروه مطالعات شرکت رهپو ساخت شارسنتان، ۱۳۹۳). در ایران طی سال‌های اخیر، رونق و رکود بازار مسکن و مجموعه‌های هم‌پیوند با آن، با اهمیت تلقی شده است و مسکن و وضعیت کمی و کیفی آن، به عنوان عاملی حساس و اثرگذار معرفی شده است. مهمترین کاستی در برنامه ریزی برای بخش مسکن در اقتصاد ایران آن است که اساساً هدف از برنامه‌های مسکن در کشور مشخص نیست. سال‌هاست که هدف اصلی در سیاست‌های مرتبط با بخش مسکن، تامین مسکن فقرا عنوان شده، اما ابزارهای به کار گرفته شده در خدمت تحقق این هدف نیستند (ابراهیمی، ۱۳۹۱). هم‌چنین، آسیب‌های اجتماعی و روند فزاینده آن در این نوع سکونتگاه‌ها وضعیت نگران‌کننده‌ای را در کشور ایجاد کرده است. گرچه آمارهای دقیقی از همه آسیب‌های اجتماعی در دست نیست اما همین آمارها و تخمین‌های موجود، از جدی بودن مسأله حکایت دارد. فقدان منابع کافی، ضعف مدیریت اقتصادی، نداشتن برنامه ریزی جامع مسکن و سایر نارسایی‌هایی که در زیر ساخت‌های اقتصادی این کشورها وجود دارد از یکسو و افزایش شتابان جمعیت شهرنشین از سوی دیگر تامین سرپناه در این کشورها را به شکلی غامض و چند بعدی درآورده است (پور محمدی، ۱۳۹۴).

در همین راستا در این پژوهش هدف اصلی ارزیابی میزان آسیب‌های اجتماعی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد بر اساس ابعاد کالبدی در شهر جدید صدرا می‌باشد که بر اساس آن سؤال اصلی چنین مطرح شده است: چگونه آسیب‌های اجتماعی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد بر اساس ابعاد کالبدی در شهر جدید صدرا را می‌توان کاهش داد؟ در این بخش، تحقیقات انجام شده مرتبط با موضوع پژوهش بر اساس مطالعات داخلی و خارجی مورد بررسی قرار گرفته می‌شود که بدین شرح می‌باشد. حکمت‌نیا و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله‌ای با عنوان "تأثیر آسیب‌های اجتماعی بر زیست‌پذیری در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شاهین‌دژ)" به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های آسیب‌های اجتماعی مانند بیکاری با امتیاز ۴/۹۳، بیگانگی و بی‌هویتی اجتماعی با امتیاز ۴/۶۴ و مدیریت ناکارآمد با امتیاز ۴/۵۷ به ترتیب در جایگاه‌های اول تا سوم از لحاظ اهمیت واقع شده‌اند و نقش مهمی در کاهش زیست‌پذیری شهر شاهین‌دژ دارند؛ بنابراین در بخش علی‌یافته‌های پژوهش مشخص شد که درآمد نامناسب،

نابرابری اجتماعی و بیکاری در جایگاه‌های نخست واقع شده‌اند و نشان‌دهنده میزان اثرگذاری آن‌ها بر زیست‌پذیری فضاهای شهری و شاخص‌های اثرپذیر هستند. همچنین در بخش معلول نتایج گویای آن است که کمبود امکانات بهداشت و سلامت جزء اثرپذیرترین شاخص‌ها و متأثر از مؤلفه‌های اثرگذار هستند. شاکری (۱۳۹۹)، در مقاله‌ای با عنوان "تبیین الگوی سیاست‌گذاری برنامه‌ریزی مسکن بی‌خانمان‌ها در کلانشهرها، تهران" به این نتیجه دست یافته است که سیاست‌های تصرف و تخصیص، کالایی شدن و افزایش شدید قیمت زمین و مسکن و سیاست‌های جدید شهری مهم‌ترین عوامل موثر بر شکل‌گیری بی‌خانمانی در کلانشهر تهران می‌باشند. از بین شاخص‌های شش گانه مسکن مناسب، شاخص امنیت تصدی، دسترسی به خدمات و تسهیلات و امکانات، استطاعت و توانایی، قابلیت سکونت، قابلیت دسترسی و تناسب فرهنگی به ترتیب بیشترین اهمیت را در الگوی ارائه شده دارند که در الگوی موجود برنامه‌های تامین مسکن به آن‌ها توجه کافی و بسنده نشده است.

پوراحمد و همکاران (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان "ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنان از مسکن مهر (نمونه موردی: مجتمع وحدت شهر شیراز)" به این نتیجه دست یافتند که شاخص‌های استحکام مسکن با میانگین کلی (۲.۵۸)، نحوه تصرف مسکن با میانگین کلی (۲.۲۶)، تراکم و ازدحام با میانگین کلی (۳.۱۳)، کیفیت محله با میانگین کلی (۳.۰۴)، ۸ شاخص از ۱۱ شاخص دسترسی به خدمات در محله با میانگین کلی (۲.۵۲)، پایین تر از حد متوسط (۳.۵) و دارای وضعیت نامطلوبی بوده و ساکنان از آنها رضایت نداشته‌اند. در مقابل؛ سه شاخص دسترسی به مسجد با میانگین (۴.۴۱)، دسترسی به سوپرمارکت و مغازه‌های خرده‌فروشی و ... با میانگین (۴.۴۳)، دسترسی به وسایل حمل و نقل عمومی با میانگین (۳.۸) و شاخص‌های امکانات اولیه مسکن با میانگین کلی (۴.۰۶) بالاتر از حد متوسط (۳.۵) و دارای وضعیت مطلوبی بوده و ساکنان از آنها رضایت داشته‌اند.

حیدری و محمدی (۱۳۹۹)، نیز در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل و ارزیابی آسیب‌های اجتماعی در محلات دارای اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله اسلام آباد - شهر زنجان)" به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل تقویت‌کننده آسیب‌های اجتماعی در محله غیررسمی اسلام آباد ناشی از بیکاری، بی‌عدالتی و توزیع ناعادلانه ثروت می‌باشد و بعد اجتماعی-فرهنگی بیشترین همبستگی را بر گسترش آسیب‌های اجتماعی دارد به عبارتی با تضعیف شرایط اجتماعی-فرهنگی در جامعه، آسیب‌های اجتماعی نیز گسترش پیدا می‌کند.

در بررسی و مطالعات تحقیقات خارجی ادجی^۱ و همکاران (۲۰۱۸)، در مقاله‌ای با عنوان "تحلیل شاخص‌های موثر در برنامه‌ریزی مسکن شهری با استفاده از روش‌های آماری"، نتایج را چنین مطرح نمودند که سرمایه‌گذاری‌های ویژه دولت در شاخص‌های زیربنایی و کالبدی، حمایت از انبوه‌سازان مسکن، استفاده از تکنولوژی و متخصصان برنامه‌ریزی مسکن، حمایت از نوسازی مسکن فرسوده قدیمی و ارائه خدمات و تأسیسات شهری در حومه‌ها، استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی برای جا به جایی مسکن به شهرک‌های مسکونی را پیشنهاد نموده‌اند. همچنین، وایت‌هد و همکاران (۲۰۱۷)، در مقاله‌ای با عنوان "مسکن اجتماعی در اروپا" به این نتیجه رسیدند که حرکت سیاست‌های مسکن اروپایی از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی عمدتاً به سوی مدل‌های مشخص‌تر حرکت کرده است. برای مثال لیرالیزه کردن بازار اجاره و اعتباری، همراه با خصوصی سازی خانه‌های اجتماعی در بسیاری از کشورها رخ داده و

^۱ Adji

سرمایه‌گذاری در مسکن اجتماعی کاهش یافته است. به اعتقاد آنها نقش دولت محلی به طور کلی برای پایداری اجتماعی و سیاسی مسکن اجتماعی حیاتی است و باید در این زمینه سیاست‌ها و برنامه‌های مشخصی داشته باشند. گوودینگ (۲۰۱۶)، نیز مقاله‌ای با عنوان "ارائه مسکن کم درآمد در موریس: بهبود عدالت اجتماعی و کیفیت مکان" را مورد مطالعه قرار داده است که بر اساس آن برنامه‌ریزی و تحویل مسکن توسط دولت غالباً برای کسانی که بیشترین نیاز را دارند به دلیل تمرکز و رانده شدن توسط زمین در دسترس و تمایل در جهت رسیدن به اهداف سیاسی، با شکست روبرو می‌شود. همچنین، مشارکت ساکنان همراه با یک رویکرد برنامه‌ریزی مشترک می‌تواند به عدالت اجتماعی بیشتر، کیفیت محیط و به نوبه خود ایجاد جوامع پایدار گردد. به طور کلی بر اساس مطالعات صورت گرفته شده می‌توان چنین تصریح نمود که تبیین اصول و شاخص‌های معماری که می‌تواند موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد شود؛ در مقالات مورد بررسی مدنظر قرار گرفته نشده است و در همین راستا در این پژوهش به ارزیابی میزان آسیب‌های اجتماعی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد بر اساس ابعاد کالبدی در شهر جدید صدرا پرداخته شده است.

مبانی نظری

در این قسمت از پژوهش به بررسی مفاهیم اصلی مقاله که شامل آسیب اجتماعی و مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد می‌باشد پرداخته شده است که بر اساس این تعاریف شاخص‌های مقاله استخراج و عملیاتی شده است. آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی می‌باشد که از علوم زیستی گرفته شده است و مبتنی بر تشابهی است که دانشمندان بین بیماری‌های عضوی و آسیب‌های اجتماعی (کجروی‌ها) در نظر گرفته‌اند و می‌توان در یک تعریف کلی آن را چنین تعریف نمود: آسیب اجتماعی شامل مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های اجتماعی است (Peters, 2020:9). به عبارت دیگر می‌توان گفت آسیب‌شناسی اجتماعی به معنی علمی است که برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی به کار می‌رود. همچنین، آسیب‌شناسی اجتماعی در دهه‌های اخیر تبدیل به موضوعی اساسی در رشته‌های مختلف علوم انسانی شده است که منجر به بحث و گفتگوهای زیادی در ارتباط با وضعیت آن در تحلیل اجتماعی و فلسفه‌هنجاری شده است (Teixeira & Bueno, 2020:20). امروزه، افزایش آسیب‌های اجتماعی در شهرها یکی از چالش‌های عمده مسئولان و مدیران شهری است که بیش از پیش آن‌ها را با این موضوع مواجه کرده است (حکمت‌نیا و همکاران، ۱۴۰۰: ۳۰). آسیب‌های اجتماعی مانند رشد بزهکاری و افزایش موج جرائم بر اثر پیشرفت‌های علمی، صنعتی و رشد پدیده شهرنشینی، ارتباطات و حمل و نقل، ناتوانی نهاد کیفری را در مهار موج بزهکاری مشخص کرده است؛ بنابراین ضرورت دست‌یافتن به اقدام‌های پیشگیرانه دیگر که ریشه‌های عوامل جرم‌زا را در محیط بررسی می‌کنند، در این زمینه لازم به نظر می‌رسد (کلاتری، ۱۳۹۸: ۵۸). از سوی دیگر، آسیب اجتماعی به عنوان کنشی مغایر با اصول و قواعد عام عمل جمعی مورد توافق اکثریت مردم جامعه محل فعالیت کنشگر، پدیده‌ای اجتماعی، چندوجهی، نسبی، متغیر و قانونمند است، همچنین، افزایش آسیب‌های اجتماعی در یک جامعه نه تنها شاخص توسعه نیست بلکه نشانه بحران است (Atarodi et al, 2020:5). قابل ذکر است که آسیب اجتماعی در فضاهای شهری و معماری می‌تواند سبب بروز مواردی همچون اعتیاد و توزیع مواد مخدر، افت تحصیلی و ترک تحصیل بین دانش‌آموزان به دلیل فقر اقتصادی و فرهنگی، سطح سواد پایین، افزایش شغل‌های غیررسمی، تنش‌های اجتماعی و نزاع‌های دسته‌جمعی (شرارت، قتل، سرقت) و ... شود. با توجه به این موضوع که

مجتمع‌های مسکونی به‌عنوان پیچیده‌ترین اساسی‌ترین عملکرد در عرصه معماری دو قرن اخیر به حساب می‌آیند و می‌توانند تأثیرات بسیار زیادی بر رفتار ساکنین و روابط آن‌ها داشته باشند (حبیب و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۳). هم‌چنین، می‌توان گفت مجتمع‌های مسکونی روز به روز به شکل الگوی رایج مسکن در ایران و جهان با توجه به افزایش جمعیت شهرنشینی تبدیل شده است. در همین راستا، گسترش شهرنشینی موجب پیچیده‌تر شدن ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی شهر و بُروز نامنی و آسیب‌های اجتماعی در محلات مسکونی شده است. روابط بین فضا و انسان، در محیط شهری، معنای جدیدی یافته است که پیشگیری از بروز جرائم در محله‌ها و فضاهای شهری با مکانیسم‌های برنامه‌ریزی اجتماعی و شهری اهمیت فراوانی دارد. به عبارتی، در هر جامعه شهری حضور و نمود آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، طلاق، زنان بی‌سرپرست و بدسرپرست، کودکان فرار، کار و خیابانی، خشونت و... یکی از واقعیت‌های اجتماعی می‌باشد و هیچ جامع‌های را نمی‌توان به دور از این گونه آسیب‌های اجتماعی متصور شد (فیروزی و مدانلو جویباری، ۱۳۹۶).

مسکن بازتاب کالبدی اراده انسان برای تامین امنیت و آرامش خود و اعضای خانواده خود است و مهم‌ترین و شاخص‌ترین نیاز مادی پایدار هر انسانی است. شاخص‌های مسکن ابزار کلیدی برای ترسیم چشم‌انداز آینده مسکن و برنامه‌ریزی آن هستند که با استفاده از آن می‌توان مسائل کمی و کیفی مسکن را در سطح خرد و کلان ارزیابی و سنجش نمود. بر این مبنا مسکنی را می‌توان مطلوب و مناسب برای زیستن دانست که بتواند با توجه به ملاحظات اقتصادی (میزان درآمد، پس‌انداز مسکن، ساختار مشاغل، چگونگی تامین مالی مسکن، میزان تورم و...)، ملاحظات اجتماعی-فرهنگی (تراکم و مسکن، اشتغالزایی مسکن، نحوه تصرف واحد مسکونی و...) و ملاحظات کالبدی (الگوی توسعه، الگوی مسکن، تراکم مسکونی، تراکم ساختمانی، مصالح ساخت و شیوه تولید مسکن، مکانیابی مسکن، سرانه مسکن و...) برنامه‌ریزی و اجرا گردیده باشد و غفلت از هر یک از این شاخص‌ها و ملاحظات برنامه‌های مسکن را از دستیابی به اهداف و مقاصد مدنظر باز خواهد داشت.

هم‌چنین، مسکن را نیز می‌توان به‌عنوان مکان فیزیکی تعریف کرد که سرپناه اولیه فرد می‌باشد و در آن نیازهای اولیه و اساسی فرد که شامل خواب، استراحت، حفاظت و امنیت می‌باشد، تامین می‌شود. از سوی دیگر مسکن در معنای عام خود محیطی برای زیست می‌باشد؛ فراتر از یک پناهگاه؛ بنابراین برای تعریف آن باید به ابعادی چون کالبدی، اجتماعی، ادراکی، فرهنگی نیز توجه شود. در این راستا تعریف مجتمع‌های مسکونی بر اساس ابعاد مذکور بدین شرح می‌باشد؛ واحد‌های تجمیع شده زیستی که در آن شیوه زندگی، رفتارهای ساکنین و فرهنگ ساکنین حائز اهمیت است (Safdarian & Habib, 2014: 15). مسکن به‌عنوان عنصر مرکزی که می‌تواند ارتباط با توسعه اقتصادی، محیط‌زیست و رفاه اجتماعی داشته و در دستیابی به محیط‌زیست و جامعه پایدار موثر باشد (شمس‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۴۵). برنامه‌ریزی مسکن جزئی از نظام برنامه‌ریزی شهری محسوب می‌شود که در آن فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جزئی از فعالیت‌های درون مکانی و واحدهای مسکونی جزئی از فضاهای تغییر شکل یافته و تطابق یافته شهری محسوب می‌شود که برحسب موضوع در چهارچوب برنامه‌ریزی مسکن مورد توجه قرار می‌گیرد. به دنبال موارد مطرح شده دولت‌ها در کشورهای گوناگون تدابیری را برای اقشار کم‌درآمد جامعه لحاظ نمودند که مسکن‌های اجتماعی از جمله آن‌ها می‌باشد. در ایران نیز برنامه‌ها و طرح‌های مدونی برای

مجتمع‌های سکونت‌ی اقشار کم درآمد تعریف نمودند که مسکن مهر را می‌توان نام برد. مسکن اقشار کم‌درآمد، در واقع به آن دسته از مسکنی گفته می‌شود که به وسیله سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی و یا به صورت‌های مختلف برای حمایت از گروه‌های کم‌درآمد شهری ساخته شده و یا مورد حمایت واقع شده‌اند. این سیاست‌ها و برنامه‌های دولتی می‌تواند به اشکال مختلف، مسکن مورد استفاده اقشار کم‌درآمد را مورد توجه و عنایت قرار دهد. از جمله این سیاست‌ها می‌توان به مواردی چون؛ نوسازی و بهسازی مراکز رو به زوال شهری، اعطای کمک‌های مالی، ارتقای کیفیت سکونت، تأمین زمین و خدمات، توانمندسازی و اشاره کرد (شری زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

از آنجایی که مسکن مناسب به معنای دسترسی به فضا و آسایش مناسب، امنیت کافی، تأمین مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، سیستم روشنایی تهویه و گرمایش مناسب، زیر ساخت‌های اولیه از قبیل آب رسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت زیست محیطی قابل قبول، مکان مناسب و قابل دسترس از نظر کار و تسهیلات اولیه است (ستارزاده، ۱۳۸۸: ۵۹). در همین راستا بررسی و مطالعه ابعاد کیفی مجتمع‌های سکونت‌ی اقشار کم درآمد نیز می‌تواند در کاهش آسیب‌های اجتماعی از یک سو و افزایش کیفیت زندگی در این مجتمع‌ها از سوی دیگر اثرگذار باشد که بر اساس مبانی مطرح شده در جدول ۱ مولفه‌ها و شاخص‌های پژوهش مطرح شده است و تعریف هر یک از موارد مطرح شده نیز بدین شرح است: - ارتباط، شناخت و مشارکت ساکنین: به دنبال افزایش مهاجرت در شهرها و افزایش تراکم جمعیتی میزان ارتباط، شناخت و مشارکت ساکنین در فضاهای گوناگون کاهش یافته است در همین راستا می‌توان گفت در مجتمع‌های سکونت‌ی بر اساس مواردی هم‌چون روابط همسایگی، خاطره جمعی بین همسایگان، تجانس اجتماعی و فرهنگی بین ساکنین مجتمع، شناخت ساکنین از یکدیگر، همبستگی اجتماعی بین ساکنین مجتمع و میزان مشارکت ساکنین در مجتمع برای حضور در مراسم، جلسات و ... می‌تواند در کاهش آسیب‌های اجتماعی اثرگذار باشند.

- امنیت: امنیت، ارتباط مستقیم با ذهنیت و ادراک مردم دارد؛ به طوریکه اگر مردم جامعه‌ای احساس کنند که امنیت آن‌ها کم‌رنگ و یا کاهش یافته است، ممکن است در مرحله اول آن را فقط به عنوان یک واقعیت ذهنی تلقی کنند، اما در مرحله بعد و به نحو ناخودآگاه به صورت یک واکنش بیرونی تجلی خواهد یافت (Hosseininesar & Ghasemi, 2012: 2). امنیت نیز نوعی احساس آرامش و آسایش درونی قلمداد می‌شود که از مؤلفه‌های فعال محیط حاصل شده و پس از ادراک ذهنی، گونه‌ای احساس در امان بودن را بوجود می‌آورد و بر اساس تئوری نیازها در هرم مازلو در ۱۹۶۸، امنیت یکی از نیازهای ضروری و پایه‌ای برای تعالی انسان تلقی می‌شود (الیاس زاده مقدم و ضابطیان، ۱۳۸۹: ۴۴). بر اساس با ایجاد احساس امنیت در فضا می‌توان در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش تعاملات اجتماعی مؤثر واقع شد.

- کالبدی-فضایی: زمانی که ساختار کالبدی-فضایی در مجتمع‌های مسکونی مطرح می‌شود، در تعریف و سنجش عوامل اثرگذار در آن مواردی هم چون الگوی قطعه بندی فضاهای مختلف در مجتمع‌های مسکونی و نحوه ارتباط آن‌ها با یکدیگر و عناصر کالبدی مختلف که در شکل‌گیری فضاهای معماری اثرگذار می‌باشد مطرح می‌شود.

- دسترسی: در بررسی نظام دسترسی در مجتمع‌های مسکونی، دسترسی به فضاهای مختلف در مجتمع به لحاظ بصری و کالبدی قابل بررسی است که بر اساس کیفیت طراحی دسترسی‌ها به لحاظ ورود به فضا، نحوه پیدا کردن

مسیر در فضاهای مجتمع‌ها، نفوذپذیری به فضاهای مختلف مجتمع، نحوه طراحی و در نظر گرفتن سلسله مراتب فضایی و ... قابل تعریف و بررسی می‌باشد.

-نظام عملکردی: در معماری تعریف نظام عملکردی بر فراهم کننده بسترهای کاربردی در فضا، استحکام و زیبایی فضاها تعریف می‌شود. به بیان کلی می‌توان نظام عملکردی فضاها را به ارتباط، محصوریت و پیوستگی بصری، تناسبات فضایی، ارتباط با فضاهای کاربردی، عملکرد کاربری‌های گوناگون در جهت تامین نیازهای کاربر و میزان تنوع فضایی که در مجتمع‌های مسکونی فراهم می‌آید، تبیین نمود. قابل ذکر است که منظور از پیوستگی بصری در فضاهای مجتمع‌های مسکونی، به پیوند فضایی آن‌ها مربوط است و خط دید شفاف و نبود موانع فیزیکی در فضاها از ورودی مجتمع تا واحدهای آپارتمانی و محصوریت بصری در فضاهای مجتمع‌های مسکونی، به پویا و یا ایستا بودن فضاهای محصور مرتبط می‌باشد و فضاهای ارتباط دهنده در مجتمع مسکونی همچون فضاهای ارتباطی از جمله فضاهایی می‌باشند که محصوریت بصری در آن‌ها می‌تواند بر الگوی رفتاری ساکنین اثرگذار می‌باشند.

-فعالیتی-کاربری: در تعریف مولفه فعالیتی-کاربری می‌توان چنین مطرح نمود که کل کالبد و فضاهای مجتمع مسکونی فقط یک صحنه است که انبوهی از نمایشنامه‌های انسانی که شامل ارتباطات و فعالیت‌های گوناگون است، به‌طور پیوسته در آن بنیان نهاده شده است که سبب ایجاد تنوع فعالیت‌هایی که در یک مکان رخ می‌دهد، می‌شود. لذا، در بررسی آن می‌توان از مواردی هم‌چون کاربری‌ها منطبق بر فعالیت‌های گوناگون در مجتمع، انجام فعالیت‌ها با توجه به حریم و قلمرو و تنوع فعالیت‌ها در مجتمع‌های مسکونی استفاده کرد.

-نور و روشنایی: نور و روشنایی به زیرساخت‌هایی سیستم روشنایی مجتمع‌های مطالعاتی اشاره دارد. در این فضاها هرچه استفاده از نور بیشتر باشد و هم‌چنین، میزان روشنایی فضا زیاد باشد، در ارتباط و تعامل اجتماعی کاربران از یک سو و کاهش آسیب‌های اجتماعی و وقوع جرم از سوی دیگر موثرتر واقع می‌شود.

-مبلمان-زیرساخت: مبلمان و زیرساخت در مجتمع‌های مسکونی به آن دسته از امکاناتی اطلاق نمی‌شود که در فضاهای مختلف در جهت جوابگویی به نیاز افراد استفاده کننده از فضا قرار می‌گیرد. بر اساس مطالعاتی صورت گرفته شده مبلمان و زیرساخت‌هایی که در مجتمع‌های مسکونی قرار می‌گیرند می‌توان سیستم امنیتی، وجود نگهبانی، وجود مبلمان‌هایی نظیر نیمکت و ...، انجام کف سازی در محوطه مجتمع‌ها، وجود راهنما و نشانه در محوطه مجتمع و بهره‌گیری از زیرساخت‌ها و خدمات موجود را نام برد که سبب ارتقا کیفیت محیطی مجتمع‌ها از یک سو و افزایش تعاملات اجتماعی در جهت کاهش بروز نابه‌هنجاری‌های رفتاری در فضا از سوی دیگر، می‌شود.

-حس تعلق: حس تعلق، برای سنجش میزان متمایز بودن یک مکان نسبت به دیگر مکان‌ها برای افراد و این تمایز سبب ایجاد پیوندی عمیق، پرمعنا و عاطفی میان شخص و مکان می‌شود که افراد آن مکان را به عنوان قرارگاهی برای بازگشت به آن، ارزشمند بدانند (احمدی کیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). مفهوم حس تعلق مکانی در میزان و نوع روابط بین افراد جامعه تأثیر می‌گذارد و این رابطه در گروه‌های اجتماعی که به مکان خاصی اختصاص دارند، باعث افزایش سرمایه‌های اجتماعی و اعتماد و مشارکت آنان می‌گردد (Islam & Mithun, 2021). شناخت و ادراک فرد از یک

مکان از شروط اولیه برای ایجاد حس تعلق به مکان می‌باشد، بدین منظور محیط‌های با خوانایی و تمایز کالبدی برای استفاده‌کنندگان جزء محیط‌های مطلوب بوده و ادراک و شناخت بهتری از سوی افراد در آن صورت می‌گیرد. لذا، می‌توان مواردی هم‌چون میزان حس تعلق به مجتمع، میزان سرزندگی در محوطه مجتمع که سبب ایجاد خاطره انگیزی در فضا می‌شود، ارتباطات هویتی و فرهنگی ساکنین و تناسب اجتماعی بین ساکنین و ... را در تعریف و بررسی میزان حس تعلق ساکنین از مجتمع در نظر گرفت.

-منظر و فضای سبز: فضای سبز در مجتمع‌های مسکونی بخشی از سیمای آن است که از انواع پوشش گیاهی که توسط انسان ساخته شده، تشکیل شده است و به عنوان یک عامل زنده و حیاتی در کنار کالبد ساختمانی مجتمع‌های مسکونی به‌شمار می‌آید. در همین راستا می‌توان گفت کیفیت فضاهای سبز محوطه مجتمع، دسترسی به فضای باز و سبز، استفاده از گونه گیاهی مناسب جهت داشتن چشم انداز به فضاهای مختلف محوطه مجتمع و ... می‌تواند در ارتقا کیفیت محیطی مجتمع‌ها بر اساس معنایی-ادراکی اثرگذار باشد.

جدول ۱. مؤلفه‌ها و شاخص‌های آسیب اجتماعی در مجتمع‌های سکونتی اقشار کم درآمد

بهد	مؤلفه	شاخص
آسیب اجتماعی	روابط اجتماعی، شناخت و مشارکت ساکنین	-کیفیت روابط اجتماعی همسایگان با یکدیگر -تمایل به برقراری ارتباط با همسایگان --شناخت از همسایگان -مشارکت همسایگان در حل مسائل و مشکلات -اعتماد همسایگان به یکدیگر -تمایل به شناخت همسایگان -مطرح نمودن مشکلات مجتمع از جانب ساکنین -احساس مسئولیت در رفع مشکلات بین ساکنین -برگزاری جلسات در جهت رفع مشکلات مجتمع -تمایل ساکنین در جهت رفع مشکلات -همکاری مدیریت با نگرهبانی و سایر ساکنین
	امنیت	-امنیت مجتمع -مشارکت همسایگان در تامین امنیت -تنوع جمعیتی -روز رفتار ناهنجاری در مجتمع -نظارت ساکنین بر فضاهای مجتمع -وقوع خسارتی از قبیل دزدی و ... -وقوع جرم و جنایت
کیفیت محیطی عملکردی- ساختاری	کالبدی - فضایی	-الگوی قطعه بندی فضاها را با توجه به فضاهای باز و نیمه باز -وجود پارکینگ و امنیت آنها -میزان فضاهای بلااستفاده در مجتمع -کیفیت طراحی فضاهای مجتمع -میزان ارتباطات فضایی در مجتمع -الگوی قرارگیری ساختمان‌ها در مجتمع
	دسترسی	-احساس ایمنی و راحتی در ورودی مجتمع -وضوح قلمرو فضایی برای ساکنین -وضوح قلمرو فضایی برای غیرساکنین -میزان دسترسی به کاربری‌های مختلف -کنترل دسترسی به درب ورود و خروج -کیفیت دسترسی آسان به ورودی و نگرهبانی -نفوذپذیری فیزیکی -ایمنی و راحتی هنگام پیاده روی در مجتمع

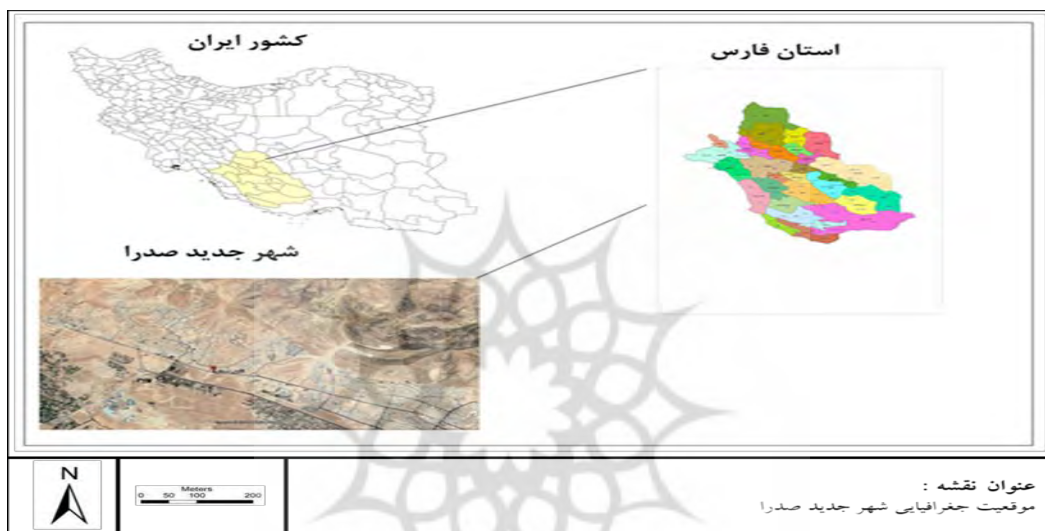
-ایمنی و راحتی شبکه ارتباط موجود -سلسله مراتب فضایی و دسترسی			
-ارتباط بصری فضاهای مختلف مجتمع -تناسبات فضایی در مجتمع -دسترسی فضاهای داخلی مجتمع مسکونی -عملکرد فضاها در ایجاد امنیت -کیفیت طراحی فضاها را در ایجاد امنیت -میزان تنوع کاربری‌ها در مجتمع	نظام عملکردی		
-وجود کاربری منطبق بر فعالیت‌های گوناگون -انجام فعالیت‌ها با توجه به حریم و قلمرو -وجود فعالیت‌هایی در مجتمع که باعث بروز ناامنی شود. -تنوع فعالیت‌ها در فضاهای مجتمع	فعالیتی- کاربری		
-سیستم روشنایی مجتمع -مکان قرارگیری سیستم روشنایی مجتمع -روشنایی بین فضاهای باز بلوک‌ها -روشنایی ورودی مجتمع	نور و روشنایی		
-سیستم امنیتی از جمله دوربین مداربسته -وجود نگهبانی در هر بلوک و شناخت آن از همسایه‌ها -استفاده از مبلمان‌هایی نظیر نیمکت و ... -کیفیت استفاده از مبلمان‌ها و کف‌سازی در ارتقا امنیت و آرامش -وجود راهنما و نشانه در محوطه مجتمع	مبلمان و زیرساخت‌ها		
-میزان حس تعلق به مجتمع -سرزندگی در محوطه مجتمع -ارتباطات هویتی و فرهنگی ساکنین -تناسب اجتماعی بین ساکنین -تناسب فرهنگی بین ساکنین -احساس آسودگی و آرامش در مجتمع -تمایل به سکونت در مجتمع دیگر -احساس همخوانی با ساکنین -تناسب بین فضاهای مجتمع با فرهنگ ساکنین -خاطره از مجتمع -حس تعلق به همسایگان	حس تعلق	کیفیت محیطی معنایی-ادراکی	
-استفاده از فضای سبز -کیفیت فضاهای سبز -دسترسی به فضای باز و سبز -استفاده از گونه گیاهی مناسب -فضای سبز مجتمع و خوانایی -فضای باز و سبز در مجتمع محل تجمع -برخی مجرمان و ایجاد ناامنی -دید از نقاط مختلف مجتمع به فضای باز و سبز -کارکرد فضای باز و سبز در مجتمع -رویت پذیر بودن فضاهای باز و سبز در مجتمع از بیرون	منظر و فضای سبز		

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

محدوده مورد مطالعه

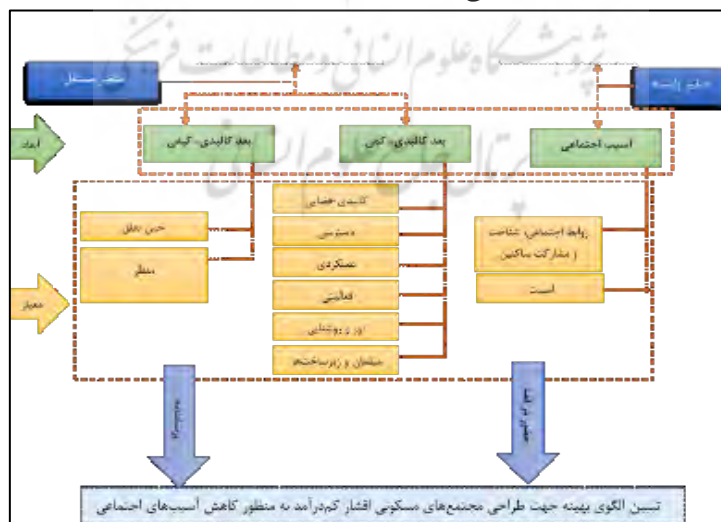
شهر جدید صدرا در پایان سال ۱۳۹۸ با داشتن ۱۲۲۰۲۲۶ نفر جمعیت چهارمین شهر پرجمعیت استان فارس به شمار می‌آید. سومین شهر جدید پرجمعیت کشور پس از پرند و اندیشه است. مناطق مسکونی شهر جدید صدرا به دو فاز یک و دو تقسیم شده است که فاز یک در قسمت شرق و فاز دو در قسمت غرب قرار گرفته است. بنا به

گزارش طرح جامع شهر جدید صدرا، این شهر با هدف اسکان جمعیت مازاد سرریز شهر شیراز در اولویت نخست قرار گرفته و چشم انداز آن در نظام سلسله مراتب شهری استان پس از شیراز و هم چون قرینه ای برای مرودشت خواهد بود. در ضمن با کاهش فشار قوی تقاضای مسکن از شهر شیراز، این شهر نیز وضعی متعادل کسب خواهد کرد. در دور پیمای روند تحولات رشد شهر جدید صدرا نیز پیش‌بینی گردیده بود که در پنج سال نخست ساخت و سازها فقط معادل یک هزار خانوار خواهد بود. سپس در پنج ساله سوم دو برابر شدن امکانات و ظرفیت های تولید سالانه ۲۰۰۰ خانوار امکان سکونت در شهر جدید را حاصل خواهند کرد. نهایتاً در سال های بعد سالانه برابر ۳۰۰۰ خانوار فرصت می یابد در شهر جدید صدرا سکونت یابند. لذا در سال ۱۳۹۵ تعداد ۴۵۰۰۰ خانوار با بعد متوسط ۴.۴ اسکان خواهند داشت سهم جوانان و افراد واقع در سنین کار و فعالیت ۱۵ تا ۴۴ ساله بیشتر از سایر نقاط می باشد. در تصویر شماره ۱ موقعیت جغرافیایی شهر جدید صدرا نشان داده شده است.



تصویر ۱. موقعیت جغرافیایی شهر جدید صدرا

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

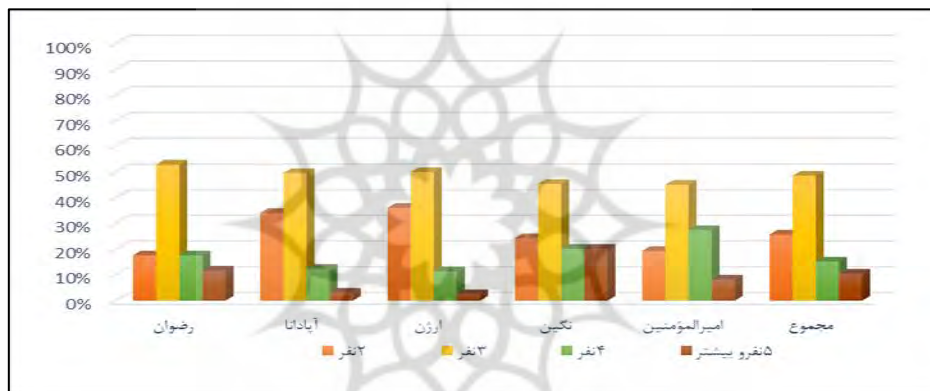


تصویر ۲- مدل مفهومی پژوهش

منبع: یافته های پژوهش، ۱۳۹۹

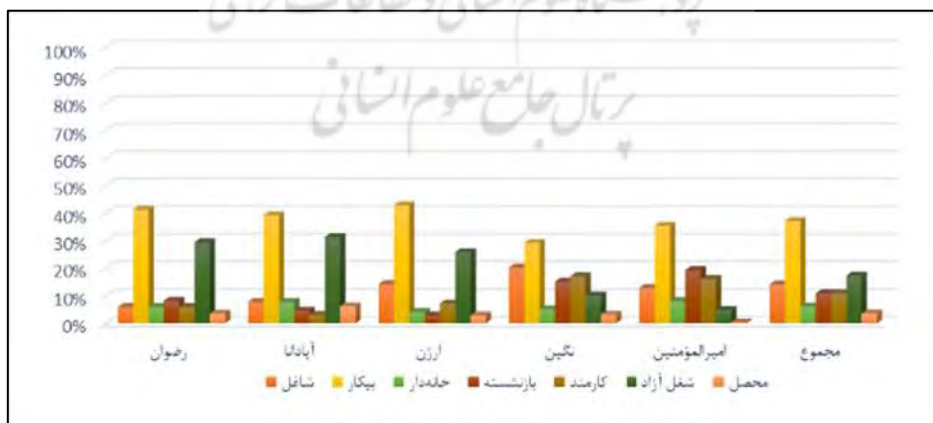
بر اساس گردآوری داده‌های پژوهش می‌توان گفت در مجموع مجتمع‌های مسکونی مطالعاتی ۵۱.۳٪ مرد و ۴۸.۷٪ زن هستند که به ترتیب در مجتمع‌های مسکونی رضوان، ارژن و آپادانا با درصد فراوانی ۶۴.۷٪، ۶۴.۲٪ و ۵۳.۱٪ بیشتر پاسخگویان مرد و در مجتمع‌های امیرالمؤمنین و نگین با درصد فراوانی ۶۴.۶٪ و ۶۰.۷٪ بیشتر پاسخگویان زن هستند. هم‌چنین، بر اساس تحلیل توزیع پاسخگویان بر اساس سن، ۲.۷٪ کمتر از ۲۰ سال، ۳۴.۲٪ بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۲۶.۳٪ بین ۳۰ تا ۴۰ سال، ۲۶.۳٪ بین ۴۰-۵۰ سال و ۱۰.۵٪ بیشتر از ۵۰ سال بوده‌اند. هم‌چنین، قابل ذکر است که در مجتمع رضوان، ارژن و امیرالمؤمنین بیشتر پاسخگویان در سن ۴۰-۵۰ سال بوده‌اند، در مجتمع آپادانا با ۴۶.۸٪ در بازه سنی ۳۰-۴۰ سال و در مجتمع نگین با ۴۹.۵٪ در سن ۲۰-۳۰ سال قرار داشتند.

بر اساس تعداد نفرات ساکن در مجموع مجتمع‌های مسکونی مطالعاتی ۲۵.۷٪ دارای ۲ نفر، ۴۸.۶٪ دارای ۳ نفر، ۱۵.۲٪ دارای ۴ نفر و ۱۰.۵٪ دارای ۵ نفر ساکن در هر یک از واحدهای مسکونی می‌باشند و تمامی آن‌ها تعداد اتاق‌های واحد سکونتی نیز در هر یک از ساختمان‌های مجتمع‌های مسکونی ۲ عدد و متراژ واحدها را ۸۰ مترمربع ذکر نمودند. هم‌چنین، بر اساس تحلیل یافته‌های پژوهش بر حسب اشتغال می‌توان چنین مطرح نمود که در مجموع اکثر ساکنین بیکار بودند با ۳۷.۱٪ و هم‌چنین، تعداد محصلین مجتمع ۳.۶٪ بوده است.



نمودار ۱- توزیع پاسخگویان بر حسب تعداد نفرات ساکن در مجتمع‌های مسکونی مطالعاتی

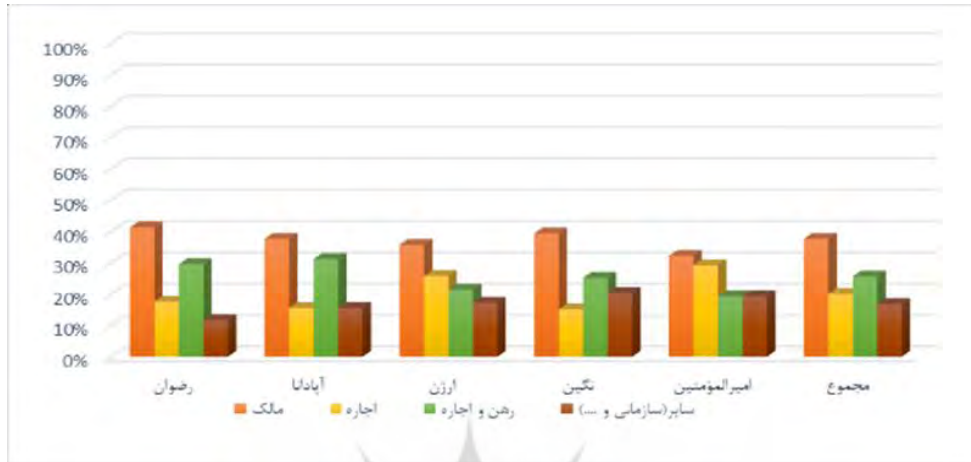
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



نمودار ۲- توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت اشتغال

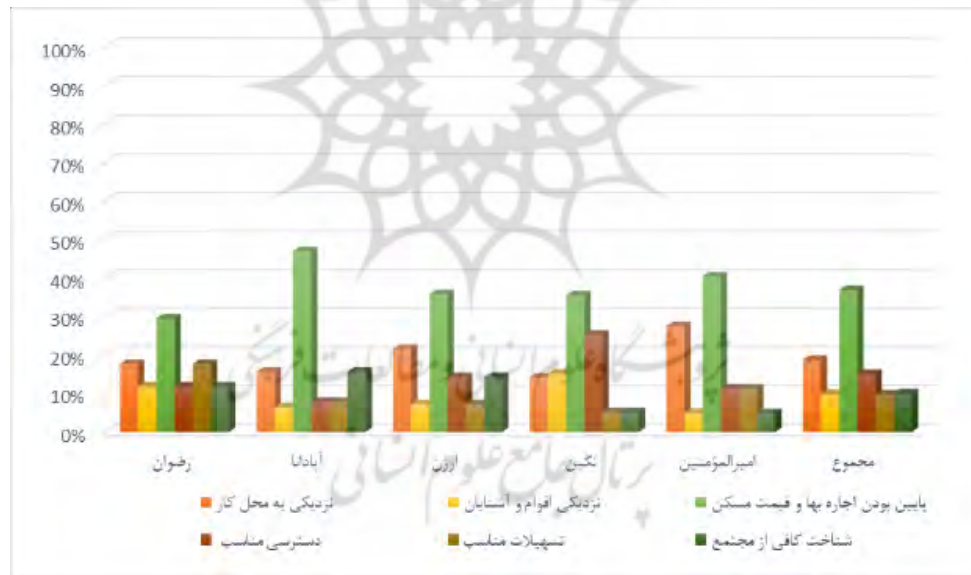
منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بر حسب نوع مالکیت در مجتمع‌های مسکونی مطالعاتی ۳۷.۶٪ از ساکنین مالک هستند و ۲۵.۶٪ رهن و اجاره می‌باشند. بر اساس تحلیل توزیع پاسخگویان بر حسب دلیل سکونت نیز می‌توان گفت در مجموع ۳۶.۸٪ پایین بودن میزان اجاره بها، ۱۸.۷٪ نزدیکی به محل کار، ۱۵٪ دسترسی مناسب، ۱۰٪ شناخت کافی از محیط مجتمع، ۹.۸٪ نزدیکی به اقوام و آشنایان و ۹.۷٪ تسهیلات مناسب در مجتمع‌های مسکونی مطالعاتی را به عنوان دلیل سکونت انتخاب نمودند.



نمودار ۳- توزیع پاسخگویان بر حسب نوع مالکیت

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

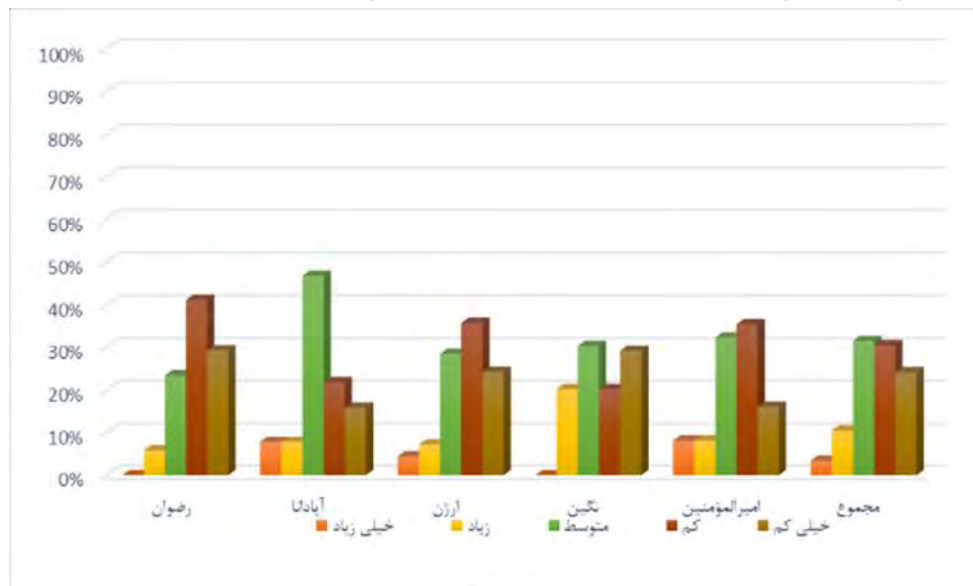


نمودار ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب دلیل سکونت

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

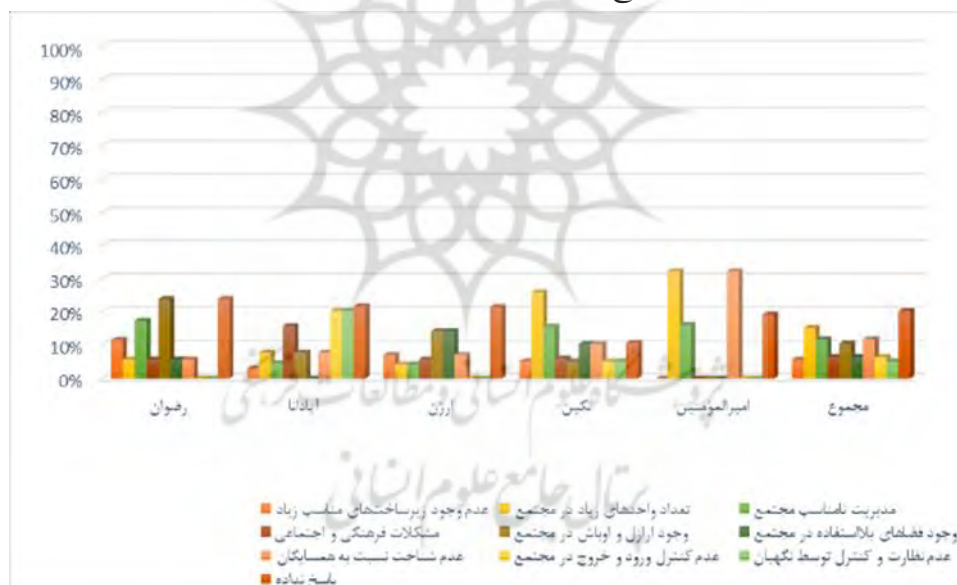
میزان رضایت از تسهیلات شهر جدید صدرا توسط پاسخگویان بدین شرح می‌باشد که ۳۱.۵٪ متوسط، ۳۰.۵٪ کم، ۲۴.۱٪ خیلی کم، ۱۰.۵٪ زیاد و ۳.۴٪ خیلی زیاد را انتخاب کردند. به طور کلی در تمامی مجتمع‌ها بنا به نظر پاسخگویان رضایت از تسهیلات کم مطرح شده است به غیر از مجتمع آپادانا و نگین که متوسط ارزیابی کرده‌اند. به طور کلی ۲۰.۳٪ از پاسخگویان دلیل عدم امنیت در مجتمع را ذکر نکردند و این در حالی است که ۱۵.۲٪ از آن‌ها دلیل اصلی را تعداد زیاد واحدهای مجتمع‌های مطالعاتی نام بردند. هم‌چنین، ۱۱.۸٪ مدیریت نامناسب مجتمع و

عدم شناخت نسبت به همسایگان، ۱۰.۸٪ وجود ارزل اوپاش در مجتمع، ۶.۵٪ مشکلات فرهنگی و اجتماعی، عدم کنترل ورود و خروج در مجتمع و وجود فضاهای بلااستفاده در مجتمع را دلیل اصلی عدم امنیت می‌دانند.



نمودار ۵- توزیع پاسخگویان بر حسب میزان رضایت از تسهیلات

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹



نمودار ۶- توزیع پاسخگویان بر حسب عدم امنیت ساکنین در مجتمع

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

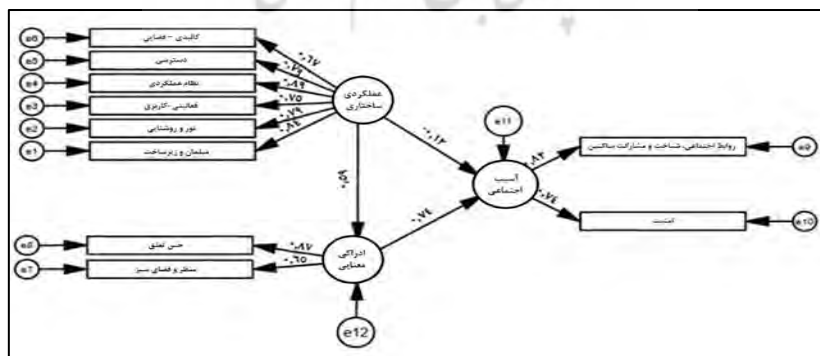
همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است متغیر کالبدی مجتمع مسکونی اقشار کم درآمد به صورت دو بعد کالبدی-کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری و کیفیت محیطی معنایی-ادراکی مورد بررسی قرار گرفته شدند که بر اساس آن تحلیل داده‌ها به شرح زیر صورت گرفته شده است. هم‌چنین، قابل ذکر است که یکی از روش‌های معتبر علمی برای اندازه‌گیری روایی سازه، روش تحلیل عاملی تاییدی است که برآورد بار عاملی و روابط بین مجموعه‌ای از ابعاد و عوامل می‌پردازد. بار عاملی همبستگی ابعاد با عامل مربوطه است و مانند هرگونه همبستگی دیگر تفسیر

می‌شود. برای مدل‌سازی معادلات ساختاری ابتدا متغیر مستقل کالبدی (بعد کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری و معنایی-ادراکی) با متغیر وابسته (آسیب اجتماعی) توسط مدل تحلیل عاملی مورد آزمون قرار گرفت. لازم به ذکر است تأیید یا رد معناداری بارهای عاملی با توجه به اعداد معناداری (T-value) صورت گرفت. براین اساس در صورتی رابطه تأیید می‌شود که در سطح خطای کمتر از ۰.۰۵ که مقدار T بزرگتر یا کوچکتر از ۲- باشد که به ترتیب رابطه معنادار مثبت و معنادار منفی خواهد بود. در راستای موارد مطرح شده در جدول ۲ نشان داده شده است بین کیفیت محیطی معنایی-ادراکی و آسیب اجتماعی بار عاملی برابر ۰.۱۲۰- برقرار است. بین متغیر کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری با آسیب اجتماعی نیز بار عاملی برابر ۰.۷۳۶ برقرار است.

جدول ۲- نتایج تحلیل عاملی تأییدی مولفه‌های کالبدی و آسیب اجتماعی

مولفه	جهت رابطه	بعد	بار عاملی
آسیب اجتماعی	<---	عملکردی- ساختاری	-۰/۱۲۰
آسیب اجتماعی	<---	معنایی-ادراکی	۰/۷۳۶
مبلمان و زیرساخت‌ها	<---	عملکردی- ساختاری	۰/۸۳۶
نور و روشنایی	<---	عملکردی- ساختاری	۰/۷۸۷
فعالیتی- کاربری	<---	عملکردی- ساختاری	۰/۷۴۸
نظام عملکردی	<---	عملکردی- ساختاری	۰/۸۲۸
دسترسی	<---	عملکردی- ساختاری	۰/۷۹۴
کالبدی- فضایی	<---	عملکردی- ساختاری	۰/۶۶۵
منظر و فضای سبز	<---	معنایی-ادراکی	۰/۶۵۳
حس تعلق	<---	معنایی-ادراکی	۰/۸۶۵
روابط اجتماعی، شناخت و مشارکت ساکنین	<---	آسیب اجتماعی	۰/۸۳۲
امنیت	<---	آسیب اجتماعی	۰/۷۳۷

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹ خروجی نرم افزار Amos



تصویر ۳- نتیجه آزمون برازش مدل مفهومی کالبدی بر آسیب اجتماعی بر اساس رابطه رگرسیونی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

بررسی مؤلفه کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری موثر بر ارتقای آسیب اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد را می‌توان در چارچوب تحلیل عامل تائیدی استخراج نمود. در این راستا ۳۳ شاخص متغیر کالبدی در رفت و برگشت سه دوره‌ای به منظور تبیین مؤلفه‌های کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری موثر بر ارتقای آسیب اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی در قالب ۶ بعد ۱- کالبدی - فضایی ، ۲- دسترسی ، ۳- نظام عملکردی، ۴- فعالیتی-کاربری ، ۵- نور و روشنایی و ۶- مبلمان و زیرساخت‌ها مورد بررسی قرار گرفت؛ مقادیر بار عاملی محاسبه شده برای این ابعاد نشان دهنده مناسب بودن داده‌ها برای تحلیل عاملی است. تاباچنیک و فیدل بیان کرده‌اند که ابعاد با بار عاملی بزرگتر از ۰.۳۲ باید مورد توجه قرار گیرند. در مطالعات کومری و لی دامنه‌ای از ارزش‌ها را برای تفسیر شدت روابط بین متغیرها و عامل‌ها پیشنهاد کرده‌اند. آن‌ها بیان کرده‌اند که بارهای عاملی ۰.۷۱ و بالاتر عالی، ۰.۷۱ تا ۰.۶۳ خیلی خوب، ۰.۶۳ تا ۰.۵۵ خوب، ۰.۵۵ تا ۰.۴۵ نسبتاً خوب و ۰.۴۵ تا ۰.۳۳ ضعیف است (گلین شریف دینی، ۱۳۸۹). مجموع ابعاد استخراج شده از ۳۳ متغیر برابر شش مؤلفه می‌باشد. براساس نتایج محاسبه تحلیل عاملی می‌توان مؤلفه‌های کیفیت محیطی عملکردی-ساختاری موثر بر ارتقای آسیب اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد را بیان نمود.

عامل نخست (مبلمان و زیرساخت‌ها): بارهای این عامل شامل شاخص‌های سیستم امنیتی از جمله دوربین مداربسته در مجتمع، وجود نگهبانی در هر بلوک و شناخت آن از همسایه‌ها، وجود مبلمان‌هایی نظیر نیمکت و ... در فضای محوطه، کیفیت استفاده از مبلمان‌ها و کف‌سازی در ارتقا امنیت و آرامش، مطلوبیت وجود راهنما و نشانه در محوطه مجتمع، میزان وجود زیرساخت‌ها و خدمات موجود در مجتمع‌های مطالعاتی که سبب کاهش آسیب اجتماعی می‌شود را شامل می‌باشد. بارعاملی این مؤلفه برابر ۰.۸۴۱ محاسبه شد که نشان از کیفیت تبیین‌کنندگی بالای این عامل است.

عامل دوم (نظام عملکردی): این عامل از آنجا که بیشترین بار را بر روی شاخص‌هایی هم چون ارتباط بصری فضاهای مختلف مجتمع، تناسب فضایی در مجتمع، دسترسی فضاهای داخلی مجتمع مسکونی، عملکرد فضاهای را در ایجاد امنیت و کاهش آسیب اجتماعی، کیفیت طراحی فضاهای را در ایجاد امنیت و کاهش آسیب اجتماعی و میزان تنوع کاربری‌ها در جهت کاهش آسیب اجتماعی را نشان می‌دهد. تحت بار عاملی نظام عملکردی نامگذاری شده و دارای مقدار ویژه ۰.۸۲۲ می‌باشد.

عامل سوم (دسترسی): بارهای این عامل بر شاخص‌های احساس ایمنی و راحتی در ورودی مجتمع و بلوک‌ها، وضوح قلمرو فضایی برای ساکنین، وضوح قلمرو فضایی برای غیرساکنین، میزان دسترسی به کاربری‌های مختلف از جمله آموزشی، انتظامی و ...، کنترل دسترسی به درب ورود و خروج، کیفیت دسترسی آسان به ورودی و نگهبانی مجتمع، نفوذپذیری فیزیکی مجتمع (دسترسی به فضاهای عمومی و نیمه عمومی)، ایمنی و راحتی هنگام پیاده روی در مجتمع، ایمنی و راحتی شبکه ارتباط موجود در سایت مجتمع، سلسله مراتب فضایی و دسترسی به فضاهای مختلف مجتمع با توجه به معیارهای کاهش فضاهای جرم خیز در مجتمع‌های مطالعاتی را شامل می‌شود. بارعاملی محاسبه شده برای آن برابر ۰.۷۸۸ می‌باشد.

عامل چهارم (نور و روشنایی): در این عامل بیشتر بارها بر سیستم روشنایی مجتمع و مکان قرارگیری آن‌ها، میزان روشنایی بین فضاهای باز بلوک‌ها و ورودی مجتمع می‌باشد. بارعاملی این مولفه برابر ۰.۷۸۷ می‌باشد که نشان دهنده قدرت عالی تبیین‌کنندگی این عامل می‌باشد.

عامل پنجم (فعالیتی-کاربری): در این عامل بیشترین بارهای عاملی بر وجود کاربری‌ها منطبق بر فعالیت‌های گوناگون، انجام فعالیت‌ها با توجه به حریم و قلمرو را در مجتمع، وجود فعالیت‌هایی در مجتمع که باعث بروز ناامنی شود و تنوع فعالیتی در فضاهای مجتمع می‌باشد و دارای بار نشان از قدرت تبیین‌کنندگی عالی این بار عاملی می‌باشد.

عامل ششم (کالبدی-فضایی): بار عاملی این مولفه نیز بر اساس شاخص‌های الگوی قطعه بندی فضاها را با توجه به ایجاد فضاهای باز و نیمه باز، وجود پارکینگ و امنیت آن‌ها، میزان فضاهای بلااستفاده در مجتمع که پتانسیل جرم خیزی دارد، کیفیت طراحی فضاهای مجتمع، میزان ارتباطات فضایی در محوطه مجتمع و الگوی قرارگیری ساختمان‌ها در مجتمع است و دارای بار عامل ۰.۶۶۴ می‌باشد و داری قدرت تبیین‌کنندگی خوب و قابل قبولی است.

در بررسی بارعاملی کیفیت محیطی معنایی-ادراکی عامل نخست (حس تعلق): این بعد شامل شاخص‌های میزان حس تعلق به مجتمع، سرزندگی در محوطه مجتمع، ارتباطات هویتی و فرهنگی ساکنین، تناسب اجتماعی بین ساکنین، تناسب فرهنگی بین ساکنین، احساس آسودگی و آرامش در مجتمع، تمایل به سکونت در مجتمع دیگر، احساس همخوانی با ساکنین، تناسب بین فضاهای مجتمع با فرهنگ ساکنین، میزان خاطره از مجتمع و حس تعلق به همسایگان می‌باشد و دارای بار عاملی ۰.۸۶ می‌باشد که از قدرت تبیین‌کنندگی در سطح عالی برخوردار است.

عامل دوم (منظر و فضای سبز): بار عاملی این مولفه بر شاخص‌های میزان استفاده از فضای سبز در مجتمع، میزان کیفیت فضاهای سبز، کیفیت دسترسی به فضای باز و سبز، میزان استفاده از گونه گیاهی مناسب، خوانایی فضا با فضای سبز مجتمع، فضای باز و سبز در مجتمع محل تجمع برخی مجرمان و ایجاد ناامنی، دید از نقاط مختلف مجتمع به فضای باز و سبز، کارکرد فضای باز و سبز در مجتمع و رویت پذیر بودن فضاهای باز و سبز در مجتمع از بیرون تاکید دارد. بار عاملی این شاخص برابر ۰.۶۶ بوده و نشان دهنده قدرت تبیین‌کنندگی خوب این بعد می‌باشد. هم‌چنین، به منظور بررسی شاخص برازندگی مدل مطرح شده مجموعه وسیعی از معیارها و ابعاد برازندگی وجود دارند که می‌توانند برای اندازگیری کل مدل مورد استفاده قرار گیرند. نکته قابل توجه این است که بایستی از معیارهای مختلفی برای قضاوت در مورد مدل استفاده شود. زیرا شاخص واحدی وجود ندارد که به طور قطعی برای آزمون مدل، مورد قضاوت و ارزیابی قرار گیرد. بر این اساس از ابعاد متفاوتی برای سنجش بزارش الگوی مورد مطالعه استفاده شده است.

همانطور که در جدول مذکور مشاهده می‌شود، مقادیر تمامی ابعاد نشان دهنده‌ی بزارش مناسب و قابل قبول مدل مفهومی می‌باشد $(0.9 < AFGI, GFI) >$ ؛ بنابراین، براساس بزارش مناسب الگوی مفهومی پژوهش با داده‌های گردآوری شده مورد تائید واقع می‌شود. بنابراین می‌توان گفت مدل مفهومی فوق مدلی مورد تائید با شاخص بزارش خوب می‌باشد.

جدول ۳- ارزیابی برازش در مدل مفهومی کالبدی بر آسیب اجتماعی بر اساس

رابطه رگرسیونی

ردیف	ابعاد برازندگی مدل مفهومی	مقادیر شاخص
۱	ضریب کای اسکونر	۲۶۱.۰۶۳
۲	درجه آزادی (df)	۳۲
۳	خطای تقریبی میانگین مربعات (RMSEA)	۰.۰۱۳
۴	شاخص تنظیم مناسب (AGFI)	۰.۹۳۱
۵	سطح خوبی شاخص تناسب (GFI)	۰.۹۲۷
۶	استاندارد (RMR)	۰.۰۳۴

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹؛ خروجی نرم افزار Amos

بحث

به دنبال افزایش بیش از اندازه جمعیت شهری، تولید انبوه مسکن یکی از سیاست‌های کلان است که تمامی کشورها در پیش گرفتند با توجه به این موضوع امروز جمعیت بیشتر شهرها ناگزیر به سکونت در مجتمع‌های سکونتی که گاه به عنوان مسکن اجتماعی یا مسکن اقشار کم درآمد می باشد، با معضلات و مشکلات متعددی مواجه هستند. قابل ذکر است که این مجتمع‌های سکونتی، بدون توجه به ارزش‌های انسانی بر اساس نگرش توده‌ای به انسان‌ها برنامه‌ریزی و ساخته شده اند که سرآغاز بسیاری از آسیب‌ها در زمینه اجتماعی و بروز نا به هنجاری‌های اجتماعی می باشد. لذا، در این پژوهش با درک اهمیت آسیب‌های مذکور در زندگی افراد ساکن در این مجتمع‌ها به ارزیابی میزان آسیب‌های اجتماعی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد بر اساس ابعاد کالبدی پرداخته شد. بر اساس مدل معادلات ساختاری مطرح شده در بررسی ارتباط بین کیفیت محیطی عملکردی- ساختاری و آسیب اجتماعی، مولفه مبلمان و زیرساخت‌ها بار عاملی ۰.۸۴۱، نظام عملکردی با بار عاملی ۰.۸۲۲، دسترسی با بار عاملی ۰.۷۸۸، نور و روشنایی با بار عاملی ۰.۷۸۷، نظام فعالیتی- کاربری با بار عاملی ۰.۷۶۱، و کالبدی فضایی با بار عاملی ۰.۶۴۴ بیشترین اثر گذاری را در آسیب اجتماعی دارا می باشد و این اثرگذاری در مولفه‌های آسیب اجتماعی برای امنیت ۱.۰۱ و برای روابط اجتماعی، شناخت و مشارکت ساکنین ۰.۶۶ محاسبه شده است.

هم‌چنین، در کیفیت محیطی معنایی- ادراکی آسیب اجتماعی ابتدا منظر و فضای سبز با بار عاملی ۰.۸۶۲ و سپس حس تعلق با بار عاملی ۰.۶۵۵ دارای بیشترین ارتباط می باشند و این اثرگذاری اساس مولفه‌های آسیب‌ها در روابط اجتماعی، شناخت و مشارکت ساکنین دارای بار عاملی ۰.۸۳ و امنیت با بار عاملی ۰.۷۴ ارزیابی شده است.

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهش

آسیب‌های اجتماعی و انواع آن یکی از معضلات اساسی بیشترها شهرها و کلان‌شهرهاست و نقش بسیار مؤثر در همه ابعاد زندگی فردی، خانوادگی و جامعه دارد که در بعد کوچکتر می‌توان گفت در فضاهای معماری و شهری امکان بروز آن‌ها وجود دارد. در همین راستا، توجه به ابعاد طراحی و کالبدی فضاها می‌تواند در بروز آسیب‌های اجتماعی در فضاهای مذکور اثرگذار واقع شود.

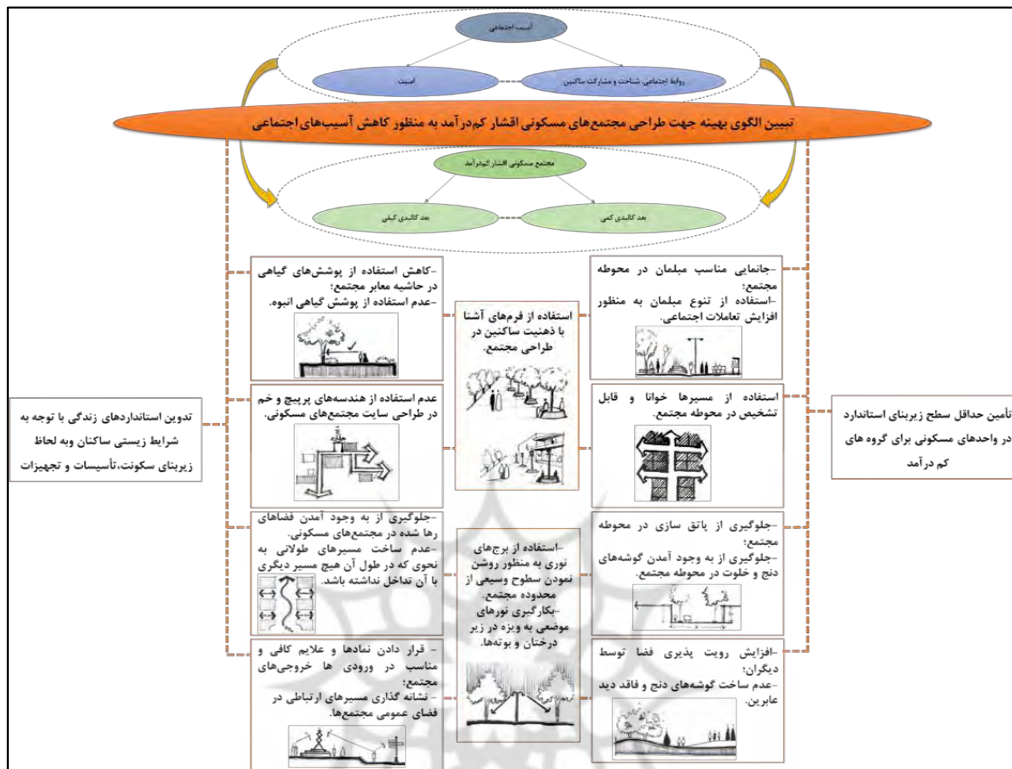
در این پژوهش بر اساس مدل معادلات ساختاری مطرح شده می‌توان چنین مطرح نمود که جهت طراحی بهینه مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی مؤلفه‌های مطرح شده بر اساس اولویت‌های ۱. حس تعلق، ۲. مبلمان و زیر ساخت‌ها، ۳. نظام عملکردی، ۴. دسترسی، ۵. نور و روشنایی، ۶. فعالیتی- کاربری، ۷. کالبدی-فضایی، و ۸. منظر و فضای سبز می‌توان با تاکید بر برقراری روابط اجتماعی بین ساکنین، شناخت آن‌ها از یکدیگر و مشارکت آن‌ها در امور مرتبط با مجتمع‌های سکونتی خود در جهت حل مشکلات و برقراری امنیت مؤثر واقع شود.

هم‌چنین بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان گفت حس تعلق که یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در طراحی فضاهای شهری و معماری در جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی است و از سوی دیگر وجود تسهیلات و امکانات و دسترسی به آن‌ها با مطالعات حکمت‌نیا و همکاران (۱۴۰۰)، شاکری (۱۳۹۹)، پوراحمد و همکاران (۱۳۹۸)، ارجی و همکاران (۲۰۱۸) هم‌راستا است. همان‌طور که گودینگ و همکاران (۲۰۱۶) و حیدری و محمدی (۱۳۹۹) مطرح می‌نمایند مشارکت ساکنین و برنامه‌ریزی مسکن برای فراهم آوردن بستری مناسب جهت ایجاد فضاهای با آسیب اجتماعی کمتر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که این موضوع در یافته‌های پژوهش مطرح و مورد تأیید واقع شده است.

به طور کلی، در طراحی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد با تاکید بر کاهش آسیب‌های اجتماعی بر اساس ابعاد و مؤلفه‌های بررسی شده پیشنهادهای کلیدی ارائه گردیده است که به شرح زیر می‌باشد:

- بستر سازی فعالیت‌های مشارکتی جهت شناخت همسایگان از یکدیگر و گسترش روابط اجتماعی آن‌ها؛
- توجه به تامین سلسله مراتب نیازهای انسانی در همه مراحل مطالعات، ساخت و بهره‌برداری از مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد؛
- توجه به وجود فضاهای باز و نیمه باز در راستای بهره‌وری مناسب و کنترل دسترسی به آن‌ها؛
- مکان‌یابی درست این مجتمع‌ها به لحاظ دسترسی به کاربری‌هایی نظیر انتظامی و ... ؛
- تنوع فضایی و فعالیتی در فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی افزایش یابد؛
- تامین مناسب روشنایی به منظور تامین امنیت فضاهای مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد؛
- شناخت پایگاه اجتماعی و اقتصادی ساکنین و استفاده کنندگان از فضا در طراحی بهینه فضاهای مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد؛
- فراهم سازی امکان قلمروییابی برای ساکنین؛
- افزایش دید و نظارت بر فضاهای گوناگون مجتمع‌های مسکونی اقشار کم درآمد؛
- طراحی مجتمع‌های مسکونی به شکلی که انعطاف‌پذیری و نفوذپذیری فضا تا حد ممکن افزایش یابد و سبب افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین شود؛
- استفاده از مبلمان‌ها و زیرساخت‌های مناسب در محوطه مجتمع‌ها در جهت افزایش حضورپذیری ساکنین؛
- جانمایی صحیح فضاهای مختلف؛
- طراحی فضاهای باز برای سنین مختلف؛
- انتخاب مصالح مناسب در محوطه؛

- ایجاد حائل‌های طبیعی و مصنوعی برای جدایی فضای باز مجتمع از فضای خارجی؛
 - استفاده از عناصر طبیعی مانند طراحی الگوی کشت، برای افزایش قابلیت فعالیت‌های اختیاری و اجتماعی؛
 - ارتقاء کیفیت منظر و عناصر طبیعی در فضای باز جهت افزایش آسایش بصری و
- هم‌چنین در تصویر شماره ۴ مدل طراحی بهینه بر اساس مطالعات صورت گرفته شده ارائه شده است.



تصویر ۴. الگوی بهینه جهت طراحی مجتمع‌های مسکونی اقشار کم‌درآمد به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی

منبع: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۹

منابع

۱. گروه مطالعات شرکت رهپو ساخت شارستان، (۱۳۹۳)، ارزیابی طرح مسکن مهر، چاپ اول؛ تهران: انتشارات آذرخش.
۲. قالیباف، محمد باقر. (۱۳۹۰). نگاه راهبردی به مسکن و شهرسازی در کشور، چاپ اول؛ نگارستان حامد.
۳. ابراهیمی، مهدی. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر رضایت مشتریان از مسکن شهری شهر اصفهان، فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی، شماره ۱۸، صفحه ۱۴۹-۱۷۰.
۴. پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۹۴)، برنامه ریزی مسکن، انتشارات سمت، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ سیزدهم، تهران.
۵. شاکری منصور، الهه. (۱۳۹۹). تبیین الگوی سیاست گذاری برنامه ریزی مسکن بی‌خانمان ها در کلانشهر تهران. رساله دکتری، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری؛ دانشگاه تربیت مدرس؛ تهران.
۶. پور احمد، احمد. عاشوری، حسن. حاتمی، احمد. (۱۳۹۸). ارزیابی میزان رضایتمندی ساکنان از مسکن مهر (نمونه موردی: مجتمع وحدت شهر شیراز)، برنامه ریزی شهری، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صفحه ۷۴-۶۳.
۷. حیدری، تقی. محمدی، شهرام. (۱۳۹۹). تحلیل و ارزیابی آسیب‌های اجتماعی در محلات دارای اسکان غیررسمی (مطالعه موردی: محله اسلام آباد - شهر زنجان)، فصلنامه برنامه ریزی شهری، دوره ۱۱، شماره ۴۰، صفحه ۷۶-۵۹.

۸. حبیب، فرح، ذبیحی، حسین، رهبری منش، کمال. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین میزان رضایت از مجتمع‌های مسکونی و تأثیر مجتمع‌های مسکونی بر روابط انسان، هویت شهر، دوره ۵، شماره ۸، صفحه ۱۱۸-۱۰۳.
۹. حکمت نیا، حسن، موسوی، میرنجف، سبحانی، نوبخت، سلمان زاده، سینا. (۱۴۰۰). تأثیر آسیب‌های اجتماعی بر زیست‌پذیری در فضاهای شهری (مطالعه موردی: شاهین‌دژ). *پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری*، 9(1)، 29-50.
۱۰. فیروزی، محمد علی. مدانلوجویباری، مسعود. (۱۳۹۷). واکاوی آسیب‌های اجتماعی در محلات فرسوده شهری (نمونه موردی: منطقه سه شهر ساری)، دوره ۷، شماره ۲۴، صفحه ۴۷-۶۰.
۱۱. شری زاده، عادل. روستایی، شهرپور. حکیمی، هادی. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل کلیدی موثر بر وضعیت آینده برنامه‌ریزی مسکن اقشار کم درآمد در کلانشهر تبریز با رویکرد آینده‌پژوهی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۱۰، شماره ۳۸.
۱۲. ستارزاده، داوود (۱۳۸۸)، بررسی شاخص‌های جمعیتی مسکن ایران در سال ۱۳۸۵، فصلنامه جمعیت‌شماره ۶۷ و ۶۸، صفحه ۷۹-۵۷.
۱۳. الیاس زاده، سید نصرالدین. ضابطیان، الهام. (۱۳۸۹). بررسی شاخص‌های برنامه‌ریزی شهری موثر در ارتقا امنیت زنان در فضاهای عمومی با رویکرد مشارکتی (نمونه موردی: بخش مرکزی شهر تهران)، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲، شماره ۴۴، صفحه ۵۶-۴۳.
۱۴. عبدالملکی، جمال. امانی، مرتضی. (۱۳۹۵). تکنیک‌های کاربردی تحلیل مسیر در مطالعات پژوهش، انتشارات: ناظر، تهران.
۱۵. کلانتری، محسن، پوراحمد، احمد و یعقوب ابدالی (۱۳۹۸). تحلیل فضایی بزهکاری بافت‌های ناکارآمد شهری (مطالعه موردی: محله هرنندی منطقه ۱۲ تهران). فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، شماره ۱۹، صفحه ۴۹-۶۰.
۱۶. شمس‌الدینی، فرزانه و سلیمانی، مهدیس. (۱۳۹۴). بهره‌گیری از نور طبیعی در مسکن و تأثیرات آن بر آسایش و سلامت روان ساکنین، اولین کنفرانس سالانه پژوهش‌های معماری، شهرسازی و مدیریت شهری، یزد.
17. Khakpoor, B. Abdollahi A., (2008), Spatial Justice in urban dual spaces Geopolitical Explanation of Patterns of Disequilibrium in Slum Settlements of Mashhad, Geopolitics, No. 2.
18. Adji Fernandes, Haris Mupa, (2018). The effect of organization culture and technology on motivation, knowledge asset, and knowledge management. *International Journal of Law and Management*
19. Kathleen Scanlon, Christine Whitehead, Melissa Fernández Arrigoitia. (2015). Social Housing in Europe. *European Policy Analysis* (17). 1-12.
20. Gooding, T. (2016) Low-Income Housing Provision in Mauritius: Improving Social Justice and Place Quality, *Habitat International*, Vol 53, No 1, pp. 502-516.
21. Peters, M. A. (2020). 'The fascism in our heads': Reich, Fromm, Foucault, Deleuze and Guattari—the social pathology of fascism in the 21st century.
22. Teixeira, M., & Bueno, A. (2019). The Politics of Social Suffering: Introduction to the Special Section. *Digitum*, (23).
23. Atarodi, A., Rajabi, M., & Atarodi, A. (2020). Cell phone use and social alienation of young teenagers. *Library Philosophy and Practice*, 1-10.
24. Hosseini, M; Ghasemi, A. (2012), Investigating the feeling of security and the factors affecting it in the country, 4th meeting of urban planning and management of Holy Mashhad: 1-12.
25. Safdarian, G., Habib, F. (2014). Study of the Impact of Culture on Qualitative Structure of Residential Complexes in Tehran. *International Journal of Architecture and Urban Development*, 4(2), 15-26.
26. Islam, J., Ali, M. J., Mithun, S. (2021). Slums in India: making sense of place in urban planning. *GeoJournal*, 1-16.